

تاریخ‌گذاری سوره‌ی طه با تکیه بر مفهوم هجرت در قصه‌ی حضرت موسی(ع)

فاطمه صانعی^۱

داود اسماعیلی^۲

امیر احمدنژاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰، صفحه ۹۳ تا ۱۱۰ (مقاله پژوهشی)

چکیده

سوره‌ی طه مطابق اجماع مفسران و قرآن پژوهان در مکه نازل شده‌است. طبق فهرست‌های ترتیب نزول سوره‌ی طه پس از سوره‌ی مریم نازل شده؛ در حالی که سایر روایات تاریخی و فهرست‌های اجتهادی و برخی قرائن تاریخی تقدم نزول سوره‌ی طه نسبت به سوره‌ی مریم را بیان می‌کنند. در این نوشتار پس از بررسی دیدگاه‌های مختلف در این حوزه و با رویکرد نقادانه نسبت به فهرست‌های ترتیب نزول روایی، آیات سوره‌ی طه خصوصاً قصه‌ی حضرت موسی(ع) به روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفته‌است. بررسی منابع تاریخی و رجوع به محتوای سوره به عنوان دقیق‌ترین ابزار در تاریخ‌گذاری نشان می‌دهد که قصه‌ی حضرت موسی(ع) و بخش مربوط به هجرت ایشان به همراه بنی اسرائیل، با هجرت مسلمانان به حبشه مرتبط بوده و خبر از نزول این سوره پیش از هجرت به حبشه می‌دهد. علاوه بر این، کشف ارتباط میان سوره‌ی طه و هجرت مسلمانان به حبشه در ارزیابی فهرست‌های ترتیب نزول نقش مؤثری داشته و از دستاوردهای مهم این پژوهش به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: سوره‌ی طه، تاریخ‌گذاری، فهرست‌های ترتیب نزول، حضرت موسی(ع)، هجرت به حبشه.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، واحد خوراسگان، ایران (نویسنده

مسئول): Ftm.san76@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: d.esmaely@theo.ui.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: ahmadnezhad@ltr.ui.ac.ir

درآمد

قرآن، کتاب هدایت مسلمانان در طی بیست و سه سال بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد. در آیات قرآن اشاراتی موجود است که به وسیله‌ی آن می‌توان به ارتباط میان نزول آیات و وقایع صدر اسلام پی برد. این وقایع برای اعراب و افرادی که در آن زمان می‌زیسته‌اند ملموس بوده است. چرا که ایشان شاهد شرایط اقلیمی و گفتمان حاکم بر آن زمان بوده‌اند. اما با گذشت زمان بسیاری از اطلاعات مربوط به آن زمان که به فهم آیات قرآن کمک می‌کرد، به فراموشی سپرده شد و یا دستخوش تغییر گردید و این امر موجب شد که نگرش مردم به قرآن زاویه‌ی جدیدی پیدا کند که از پیامدهای آن می‌توان به جدایی از بافت سوره و زمان نزول آن و محدودیت در پیاده‌سازی مفاهیم آیات در زندگی اشاره کرد.

یکی از دانش‌های علوم قرآنی که به کشف ارتباط آیات با بافت زمانی سوره اهتمام ورزیده، تاریخ‌گذاری است. تاریخ‌گذاری به معنای تعیین محدوده زمانی نزول آیات و سوره است که کمک می‌کند مخاطبان امروزی قرآن بتوانند به علت نزول آیات خصوصاً آیات مربوط به قصه‌ی پیامبران دست یابند. چرا که هدف از نقل قصه‌ها در قرآن انتقال پیام‌های مهمی است که در خلال آیات سوره جریان پیدا کرده است. سوره‌ی طه به علت قصه محور بودن آیاتش و همچنین اطلاعات پراکنده‌ای که پیرامون نزول آن مطرح شده گزینه مهمی برای کشف ارتباط آیات و قصه‌های آن با مقتضیات زمان نزول است. زیرا از این طریق می‌توان لحظه به لحظه‌ی سیره‌ی نبوی را در زمان نزول این سوره دنبال کرد و علت نزول آیات و نقل قصه‌ی حضرت موسی(ع) را به شکلی روشن و دقیق پی گرفت. از این رو، ضروری است که زمان نزول این سوره به وسیله‌ی قصه‌ی حضرت موسی(ع) و عناصر مهم آن مورد بررسی قرار گیرد.

طرح مسأله

سوره‌ی طه طبق اجماع مفسران در مکه بر پیامبر(ص) نازل شده و سیاق آیات نیز گواه این امر است. اما درباره‌ی زمان نزول این سوره دیدگاه روشنی وجود ندارد. طبق روایات ترتیب نزول این سوره پس از سوره‌ی مریم نازل شده؛ در حالی که فهرست‌های ترتیب نزول اجتهادی، نزول سوره‌ی طه را مقدم بر سوره‌ی مریم می‌دانند. از طرفی به علت مکی بودن سوره و قصه محور بودن مضامین آیات، در رابطه با تاریخ‌گذاری سوره‌ی طه اطلاعات محدودی یافت می‌شود. مهم‌ترین مطلب قابل استنادی که راجع به نزول این سوره مطرح شده، ارتباط نزول سوره و اسلام آوردن عمر بن خطاب است. همچنین شمار بسیار محدودی از مفسران ارتباط سوره‌ی طه و هجرت مسلمانان به حبشه را محتمل دانسته و در برخی روایات تاریخی نیز می‌توان قرائنی برای این احتمال یافت. با این وجود

در فاصله زمانی این وقایع نسبت به نزول سوره‌ی طه اختلاف نظر وجود دارد و نمی‌توان به دیدگاه واحدی دست‌یافت.

با توجه به کمبود منابع و اقوال تاریخی پیرامون نزول سوره‌ی طه و اختلافاتی که میان روایات و اجتهادات محققان معاصر مشاهده می‌شود، لازم است اعتبار هر یک از دیدگاه‌ها مورد سنجش قرار گرفته تا درباره‌ی زمان نزول سوره‌ی طه به نتیجه‌ی واحدی دست یابیم. از این رو در این نوشتار ابتدا ابزارهای متداول در تاریخ‌گذاری و نقش آن‌ها در تاریخ‌گذاری سوره‌ی طه بیان شده‌است. به همین جهت با بیان جایگاه سوره‌ی طه در فهرست‌های ترتیب نزول روایی و اجتهادی تلاش شده‌است که با تکیه بر موقعیت این سوره نسبت به سوره‌های قبل و بعد به ویژه سوره‌ی مریم، زمان تقریبی نزول مشخص شود. دلیل اهمیت سوره‌ی مریم در تاریخ‌گذاری بدین جهت است که شباهت سبک و سیاق این دو سوره به یکدیگر امری انکارناشدنی است و در فهرست‌های ترتیب نزول این دو سوره در پی هم آمده‌اند. از طرفی پیوند محتوای سوره‌ی مریم با هجرت مسلمانان به حبشه نیز شهرت یافته و مورد توجه مفسران بوده‌است. بنابراین چنانچه موقعیت سوره‌ی طه نسبت به سوره‌ی مریم کشف شود، گام مهمی در تشخیص زمان نزول این سوره به شمار می‌رود.

در مرحله‌ی بعد به بیان روایات تاریخی که در آثار تفسیری ذیل سوره‌ی طه نقل شده، پرداخته و سپس با استناد به قرائن مطرح شده در این روایات، ارتباط محتوای سوره را با هجرت مورد سنجش قرار می‌دهد. در بررسی محتوای سوره با بازخوانی قصه‌ی حضرت موسی (ع)، ارتباط فرازهای مختلف قصه خصوصاً هجرت حضرت موسی (ع) به همراه بنی اسرائیل با عصر نزول بیان می‌شود تا بدین وسیله، فضای نزول سوره به لحاظ تاریخی بازسازی شده و به وصف روشنی از شرایط حاکم بر مکه دست یابیم. در ادامه قصه‌ی حضرت آدم در این سوره به عنوان بخش دیگری از محتوا، و ارتباط آن با زمان نزول سوره‌ی طه مورد توجه قرار می‌گیرد تا در نهایت بتوان با بهره‌گیری از اطلاعات مختلف پیرامون تاریخ‌گذاری سوره‌ی طه، زمان حدودی نزول این سوره و جایگاهش نسبت به سوره قبل و بعد در فهرست را تخمین زد. تشخیص جایگاه این سوره نسبت به سوره دیگر خصوصاً سوره‌ی مریم، در ارزیابی فهرست‌های ترتیب نزول روایی اهمیت بسیاری دارد. مضاف بر این کشف محدوده‌ی زمانی نزول سوره‌ی طه، می‌تواند در نقد یا تثبیت جایگاه سوره‌های دیگر نظیر سوره‌ی شعراء و تاریخ‌گذاری این سوره بر اساس قصه اثرگذار باشد.

پیشینه

مطالعه‌ی قصه‌ی حضرت موسی (ع) و بیان ارتباط این قصه با زمان نزول سوره در برخی از آثار تفسیری و همچنین پژوهش‌های قرآنی مورد توجه بوده‌است. در آثار تفسیری معاصر افرادی همچون

محمد عزه دروزه و سیدقطب سعی در تشریح فضای نزول آیات قصه محور داشته و از این طریق به بیان مقصود قصه‌ها در قرآن به ویژه قصه‌ی حضرت موسی(ع) پرداخته‌اند. اما در نهایت به نتیجه‌ی روشنی در حیطه‌ی تاریخ‌گذاری سوره‌ی طه دست نیافته‌اند(ر،ک: دروزه، ۱۴۲۱ق، ۳ / ۱۸۸ / قطب، ۱۴۲۵ق، ۴ / ۲۳۲۶). مضاف بر این، در تفاسیر یاد شده ارتباط فرازهای مختلف قصه با رویدادهایی همچون هجرت مسلمانان به حبشه بیان نشده و مفسران به ذکر تطابق قصه‌ی حضرت موسی(ع) و زمان نزول سوره اکتفا کرده‌اند. عابدالجابری در تفسیر خود به ارتباط میان نزول سوره‌ی طه و وقایع تاریخی همچون هجرت به حبشه و مسلمان شدن عمر بن خطاب اشاره داشته(عابدالجابری، ۱۴۰۰ش، ۱ / ۶۵۵)؛ اما به طور دقیق به جزئیات قصه و ارتباط آن با هجرت مسلمانان به حبشه نپرداخته و صرفاً به روایاتی استناد کرده که تقدم و تأخر نزول سوره‌ی طه و مسلمان شدن عمر بن خطاب را بیان کرده‌اند. در مجموع در آثار تفسیری نقش قصه‌ی حضرت موسی(ع) را در سوره‌ی طه به خوبی بیان کرده‌اند. اما تحلیل دقیقی از بررسی محتوای سوره، روایات تاریخی و سنجش میزان مطابقت آن با فهرست‌های ترتیب نزول در این آثار ارائه نشده‌است.

علاوه بر آثار تفسیری مذکور، پایان‌نامه‌ی مقطع ارشد با عنوان «تبیین فضای نزول آیات مربوط به حضرت موسی(ع) در قرآن»(بنی اسدی و نکونام، ۱۳۹۲ش) به نگارش درآمده که با توجه به فهرست‌های ترتیب نزول روایی ارتباط قصه‌ی حضرت موسی(ع) در قرآن را با زمان نزول سور بیان کرده‌است. یعنی مبنای پژوهشگر تکیه بر فهرست‌ها و صحت آن‌ها است. اما در پژوهش حاضر تلاش شده‌است که ارتباط قصه و زمان نزول سوره بر اساس محتوای سوره استنباط شده و میزان مطابقت فهرست‌ها و روایات با محتوای سوره مورد بررسی قرار گیرد. در مجموع از میان پژوهش‌هایی که پیرامون هجرت به حبشه و همچنین سور مریم و طه صورت گرفته، هیچکدام به ارتباط میان این واقعه با نزول سوره‌ی طه و همچنین جایگاه این دو سوره در فهرست‌های ترتیب نزول نپرداخته و از این جهت پژوهش حاضر نوآوری محسوب می‌شود.

۱ جایگاه سوره طه در فهرست‌های ترتیب نزول

فهرست‌های ترتیب نزول روایی و اجتهادی از منابع و ابزارهای رایج در تاریخ‌گذاری سور به شمار می‌روند. در روایات ترتیب نزول همانند روایت ابن عباس سوره طه چهل و پنجمین سوره‌ی قرآن معرفی شده که پس از سوره‌های فاطر و مریم و پیش از سوره‌های واقعه و شعراء قرار گرفته- است(شهرستانی، ۱۳۶۸ش، ۱ / ۱۸). بنابراین هرگونه اطلاعات پیرامون تاریخ‌گذاری این سور می‌تواند در تاریخ‌گذاری سوره‌ی طه مؤثر واقع شود.

سوره فاطر: طبق روایت، نزول سوره‌ی فاطر مصادف با اسلام آوردن عمر بن خطاب بوده و اوایل سال پنجم رخ داده‌است. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۵/ ۲۴۵). این سوره در جدول ترتیب نزول، در جایگاه چهل و سوم قرار دارد. آیات در سوره‌ی فاطر به انذار مردم و دعوت به حق و بیان عاقبت کافران اختصاص داده شده‌است. همچنین در جای جای این سوره خداوند مکرراً به تسکین و تسلیت پیامبرش پرداخته و این امر نشان می‌دهد که سوره در شرایطی نازل شده که پیامبر(ص) بسیار اندوهگین بوده‌است (دروزه، ۱۴۲۱ق، ۳ / ۱۰۷).

سوره‌ی مریم: در فهرست‌های روایی سوره‌ی مریم پس از سوره‌ی فاطر قرار گرفته‌است. مهم‌ترین اطلاعاتی که درباره‌ی نزول این سوره موجود است، ارتباطش با هجرت مسلمانان به حبشه است. طبق برخی روایات تفسیری که مورد قبول مفسران هم قرار گرفته، مسلمانان در حبشه و هنگام مواجهه با حاکم آن‌جا سوره‌ی مریم را قرائت کرده‌اند (ر.ک: ابن کثیر الدمشقی، ۱۴۱۹ق، ۵ / ۱۸۶ / ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ۱۶ / ۵).

سوره‌ی واقعه: زمان نزول این سوره به طور دقیق مشخص نشده است. مفسرانی همچون دروزه به ارتباط آیات ابتدایی این سوره با سوره طه اشاره داشته و نزول این سوره پس از سوره طه را منطقی دانسته‌اند (دروزه، ۱۴۲۱ق، ۳ / ۲۲۵). تنها جابری معتقد است که سوره واقعه حدود سال ششم و یا پس از آن نزول یافته‌است (عابدالجابری، ش ۱۴۰۰، ۱ / ۶۹۳).

سوره‌ی شعراء: در تاریخ‌گذاری سوره‌ی شعراء آنچه شهرت یافته، همزمانی نزول این سوره با علنی شدن دعوت پیامبر(ص) بوده و شاهد این دیدگاه، آیه‌ی (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (الشعراء: ۲۶ / ۲۱۴): «خویشاوندان نزدیکت را انذار کن» است. با توجه به سیاق آیات خصوصاً آیات ابتدایی سوره به نظر می‌رسد دعوت پیامبر(ص) از همان ابتدا و پیش از نزول سوره‌ی شعراء علنی بوده‌است و ارتباط سوره با دعوت علنی پذیرفته نیست (محمدزاده و احمدنژاد، ۱۳۹۴ش). به علاوه معمولاً مفسران ذیل آیات مربوط به قصه‌ی انبیاء تحلیل تاریخی بیان نمی‌کنند و به کشف ارتباط فرازهای قصه با عصر نزول نمی‌پردازند. به همین علت برای تاریخ‌گذاری سوره‌هایی همچون سوره‌ی شعراء با محدودیت ابزار و منابع تاریخ‌گذاری مواجه هستیم (برای نمونه ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ۱۵ / ۲۴۹) و از طریق سوره‌ی شعراء نمی‌توان به زمان نزول سوره‌ی طه پی برد. تنها می‌توان با استناد به منابع تاریخی، ارتباطی میان هجرت به حبشه و نزول سوره‌ی شعراء برقرار کرد. بر اساس گزارش‌های تاریخی، پس از هجرت موفقیت‌آمیز مسلمانان به حبشه، مشرکان مکه مسلمانان را در تنگنای شدیدی قرار داده و شدت عمل نسبت به آن‌ها اعمال کردند. نتیجه‌ی این سخت‌گیری پیمان‌نامه‌ای علیه مسلمانان بود که در نهایت منجر به محاصره‌ی اقتصادی در شعب ابیطالب شد که مدت سه سال

به طول انجامید(ر،ک: ابن سعد، ۱۳۷۴ش، ۱ / ۱۹۵). بدیهی است که رخداد‌های برجسته‌ای همچون محاصره‌ی مسلمانان در شعب ابیطالب در آیات قرآن منعکس شده و آیاتی به این رخدادها اختصاص داده می‌شود. سوره‌ی شعراء که در فهرست‌های ترتیب نزول پس از سوره‌ی طه قرار گرفته از همان ابتدا به شرایط دشواری اشاره دارد که پیامبر(ص) و مسلمانان را محق دریافت آیاتی پیرامون سرگذشت پیامبران پیشین دانسته است. با توجه به محتوای قصه‌ها در این سوره و همچنین وجود کلیدواژگانی نظیر «ایه» و «اخوهم» و «عشیره» می‌توان سوره‌ی شعراء را مرتبط با زمانی دانست که اعمال فشار از سوی نزدیکان و خویشاوندان پیامبر(ص) افزایش یافته‌بود. به عبارتی سوره‌ی شعراء مصادف با محاصره در شعب ابیطالب و یا بلافاصله پس از آن بر پیامبر(ص) نزول یافته و بر همین اساس طبق فهرست‌های ترتیب نزول سوره‌ی طه پیش از جریان شعب ابیطالب و احتمالاً در بازه زمانی هجرت مسلمانان به حبشه نازل شده‌است.

فهرست‌های ترتیب نزول علی رغم این که مورد توجه مفسران بوده‌اند، اما همواره نسبت به آن‌ها نگاه منتقدانه وجود داشته و در دوره‌های مختلف مورد نقد قرار گرفته‌اند. اختلاف این فهرست‌ها با یکدیگر نیز نمایانگر عدم قطعیت این فهرست‌هاست. این عامل سبب شده که مسلمانان و مستشرقان گاه با توجه به متن سوره و سایر قرائن تاریخی اقدام به تهیه فهرست‌هایی موسوم به فهرست‌های اجتهادی کنند. فهرست‌های ترتیب نزول اجتهادی جایگاه سوره‌ی طه را به شیوه‌ی متفاوتی حکایت می‌کنند. به عقیده‌ی بازرگان سوره‌ی طه پیش از سوره‌ی مریم نزول یافته‌است. جابری نیز علی رغم اینکه در فهرست تفسیر خود سوره‌ی مریم را مقدم بر سوره‌ی طه دانسته، اما در متن تفسیر ذیل سوره‌ی مریم به تقدم نزول سوره‌ی طه اشاره می‌کند(عابدالجابری، ۱۴۰۰م، ۱ / ۶۵۵). مهم‌ترین شاهد عابدالجابری ارتباط سوره‌ی طه با هجرت مسلمانان به حبشه بوده که با استناد به روایات تاریخی حاصل شده‌است(ن،ک: ادامه‌ی مقاله).

تقدم نزول سوره‌ی طه در پژوهش‌های مستشرقان نیز مشهود است. تئودور نولدکه معتقد است که سوره‌ی طه پیش از سوره‌های شعراء و حجر و مریم نازل شده‌است. همچنین نتایجی که از پروژه‌ی کورپوس کورانیوم منتشر شده نیز گویای این است که از نظر محققان این مجموعه سوره‌ی طه مقدم بر سوره‌ی مریم بر پیامبر اسلام(ص) نزول یافته‌است. بر اساس پژوهشی که ریچارد بل با تکیه بر دیدگاه‌های نولدکه انجام داده، سور مکی را می‌توان در سه دسته قرار داد که هر یک از این دسته‌ها دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است. دسته اول سوره‌هایی آهنگین با آیات کوتاه هستند که غالباً با سوگند آغاز می‌شوند. دسته دوم شامل سوره‌هایی می‌شود که اغلب از تاریخ و انبیاء سلف سخن

گفته اند و از واژه «رحمن» به عنوان نام خاص برای خداوند استفاده شده است (نک: ادامه مقاله). در سوره های دسته سوم کاربرد این واژه کاهش چشمگیری داشته است (مونتگری وات و بل، ۱۳۸۲، ص ۱۷۰). به عقیده ریچارد بل به ترتیب سوره های طه و مریم در دسته دوم و سوره فاطر در دسته سوم قرار می‌گیرد (مونتگری وات و بل، ۱۳۸۲ ش، ۱۷۰). پژوهش ریچارد بل علاوه بر ترتیب نزول سوره طه و مریم، در جایگاه سوره های فاطر نیز با فهرست‌های ترتیب نزول روایی مغایرت دارد. به همین دلیل نمی‌توان تنها به فهرست‌های روایی اتکاء کرد و لازم است ترتیب نزول این سوره و در پی آن، فهم زمان نزول سوره طه مورد بررسی دقیق‌تر قرار گیرد. به طور کلی بررسی فهرست‌های روایی و اجتهادی از تقارن نزول سوره مریم و طه حکایت می‌کنند؛ اما در تقدم و تأخر این دو سوره نسبت به یکدیگر اختلافاتی میان این دو فهرست مشهود است. با توجه به قرابت زمانی سوره طه و مریم و ارتباط سوره مریم با هجرت مسلمانان به حبشه می‌توان گفت نزول سوره طه نیز بی ارتباط با هجرت نیست.

۲ بررسی روایات اسباب النزول

روایات اسباب النزول به عنوان یک ابزار مهم در تاریخ‌گذاری سوره همواره مورد توجه مفسران و محققان بوده‌است. در تفاسیر و منابع روایی برای سوره‌های قصه محور همانند سوره طه، روایات سبب نزول کمتری نسبت به سایر سوره مشاهده می‌شود و همین امر یک دلیل مهم برای دشواری تاریخ‌گذاری در سوره‌هایی از قبیل سوره طه به شمار می‌رود.

در روایات سبب نزول مربوط به سوره طه بیشترین توجه به آیه **(مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى)** (طه: ۲ / ۲۰): «قرآن را بر تو نازل نکرده‌ایم که در رنج افتی» نشان داده شده‌است. به عنوان نمونه ذیل این آیه نقل شده است که قتاده می‌گوید: پیامبر اسلام در تمام شب نماز می‌گزارد و سر خود را به ریسمانی می‌بست که خواب او را مغلوب نسازد. خداوند به او دستور فرمود که بر خود آسان گیرد و خاطر نشان کرد که وحی نفرستاده است که تا این اندازه خود را رنجور سازد (واحدی، ۱۴۱۹ق، ۳۱۲ / طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۵ / ۷ / طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۶ / ۱۰۲). یا در روایت دیگر در تفسیر قمی نقل شده که: رسول خدا (ص) همواره وقتی به نماز می‌ایستاد روی انگشتان پا تکیه می‌کرد، تا در نتیجه پاهایش (و یا انگشتانش) ورم کرد، خدای تعالی برای جلوگیری از اینکار این آیه را فرستاد: **(طه، مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى، إِلَّا تَذَكُّرَةً لِّمَنْ يَخْشَى)** (طه: ۲۰ / ۱ - ۳): «طه، ها. قرآن را بر تو نازل نکرده‌ایم که در رنج افتی. تنها هشدار است برای آن که می‌ترسد» (قمی، ۱۳۶۳ش، ۲ / ۵۷ / سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۴ / ۲۸۸).

این روایت که در اکثر منابع تفسیری نقل شده می‌تواند ناظر به شرایط دشوار اجتماعی پیامبر(ص) در این مقطع باشد. به گونه‌ای که شاید خفقان حاکم بر مکه منجر شده که ایشان به عبادت طولانی به امید گشایشی از جانب خداوند روی آورد. طبق روایات این عبادات چنان دشوار بود که دلیلی بر نزول آیات ابتدایی سوره‌ی طه بر ایشان شد.

۳ دیدگاه مفسران درباره‌ی نزول سوره‌ی طه

مفسران در مکی بودن سوره طه اجماع دارند و سیاق آیات را مهم‌ترین شاهد این مطلب می‌دانند(رک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ۱۴ / ۱۱۸ / ابن کثیرالدمشقی، ۱۴۱۹ق، ۵ / ۲۴۰ / طبرانی، ۲۰۰۸م، ۴ / ۲۲۹ / طوسی، بی‌تا، ۷ / ۱۵۷ / طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۷ / ۳). برخی قائل به وجود آیات استثناء در این سوره هستند و معتقدند آیه (فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَايِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى) (طه: ۲۰ / ۱۳۰) «بر آنچه می‌گویند شکمیا باش و پروردگارت را پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن به پاکی بستای. و در ساعات شب و اول و آخر روز تسبیح گوی. شاید خشنود گردی» و (وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقَ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى) (طه: ۲۰ / ۱۳۱) «اگر زنان و مردانی از آنها را از یک زندگی خوش بهره‌مند ساخته‌ایم، تو به آنها منگر. این برای آن است که امتحانشان کنیم. رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است» در مدینه نازل شده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۶ / ۱۴۷). اما سیاق این آیات هیچ دلیلی بر مدنی بودن آنها ارائه نمی‌دهد(طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ۱۴ / ۱۱۹). مضاف بر این، محتوای آیات هدف واحدی را دنبال می‌کند و پیوند میان آیات مشهود است. همین امر دالّ بر پیوستگی نزول سوره‌ی طه است و بیانگر نزول کل سوره در مکه است.

مهمترین مطلبی که برخی مفسران درباره نزول سوره‌ی طه بیان کرده اند، ارتباط این سوره با اسلام آوردن عمر بن خطاب است. عابدالجابری با تکیه بر شماری از گزارش‌های تاریخی به این مطلب اشاره کرده و معتقد است نزول سوره‌ی طه با دو واقعه مرتبط است: اسلام آوردن عمر بن خطاب و هجرت مسلمانان به حبشه. در رابطه با مسلمان شدن عمر، روایاتی نقل شده که از میان آنها دو روایت در تاریخ‌گذاری سوره‌ی طه می‌تواند مؤثر واقع شود. بر اساس گزارش‌های تاریخی سوره طه اندکی پیش از اسلام آوردن عمر بن خطاب نزول یافته است(ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ۱۶ / ۹۲). منابع تاریخی زمان اسلام آوردن وی را از حوالی هجرت مسلمانان به حبشه یعنی سال پنجم بعثت دانسته اند. مهم‌ترین گزارشات تاریخی در این باره عبارتند از:

روایت اول: از انس بن مالک روایت شده است که وقتی عمر از مسلمان شدن خواهر و شوهرخواهرش مطلع شد به خانه‌ی ایشان رفت. آنها مشغول تلاوت سوره‌ی طه بودند و عمر

درخواست کرد کتاب (قرآن) را به او بدهند و او سوره‌ی طه را آغاز کرد. وقتی به آیه‌ی (إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي) (طه: ۲۰ / ۱۴) «خدای یکتا من هستم. هیچ خدایی جز من نیست. پس مرا بپرست و تا مرا یاد کنی نماز بگزار» رسید، نزد پیامبر (ص) رفت. عمر گفت: شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست و اینکه تو بنده و فرستاده خدایی. (معارفی مصری، بی‌تا، ۱ / ۳۴۲).

ابن هشام به نقل از ابن اسحاق در رابطه با مسلمان شدن عمر اینگونه می‌نویسد: «عمر نیمه‌های شب از خانه بیرون شده و در نزدیکی کعبه پیامبر را مشغول عبادت و قرائت قرآن می‌بیند. با شنیدن آیات الهی متاثر شده و به پیامبر اعلام می‌کند که قصد دارم به خداوند و پیامبرش ایمان بیاورم» (معارفی مصری، بی‌تا، ۲ / ۳۴۷).

میان این دو روایت تعارضی مشاهده نمی‌شود. ممکن است این دو اتفاق در پی هم و با فاصله زمانی اندکی رخ داده باشند. با توجه به اینکه هر دو در یک منبع ذکر شده‌اند، نمی‌توان یکی را بر دیگری ارجح دانست.

روایت دوم: عبدالله بن عامر بن ربیع از مادرش لیلی نقل می‌کند که گفت: عمر از سختگیرترین مردمان در مورد اسلام آوردن ما بود؛ وقتی که خواستیم به حبشه برویم عمر به نزد من آمد در حالیکه من بر شتری بودم و می‌خواستم که به راه بیفتم؛ گفت: ای ام عبد الله به کجا می‌روی؟ پاسخ دادم: شما ما را به خاطر دینمان آزار دادید؛ در زمین خدا به جایی می‌رویم که به خاطر بندگی خدا آزار نشویم! گفت: خدا همراه شما باشد؛ شوهرم عامر بن ربیع به نزد من آمد و او را از آنچه که دیده بودم یعنی آرام شدن عمر، با خبر کردم؛ او به من گفت: آیا امید داری که اسلام بیاورد؟ پاسخ دادم: آری؛ گفت: قسم به خدا او اسلام نمی‌آورد تا اینکه الاغ خطاب هم اسلام بیاورد از بس که بر مسلمانان سخت گیر بود. (ر، ک: ذهبی، ۱۹۸۹م، ۱ / ۱۸۱ / ابن کثیر، ۲۰۱۰م، ۳ / ۱۰۰).

۳.۱ بررسی روایات

روایت اول زمان دقیق و یا تخمینی برای اسلام آوردن عمر بیان نکرده‌است. تنها نکته‌ای که می‌توان از آن برداشت کرد این است که سوره طه پیش از اسلام آوردن عمر نزول یافته و مکتوب شده است. فاصله نزول سوره طه و مسلمان شدن عمر به صورت دقیق بیان نشده؛ اما طبق قول مشهور، فاصله زمانی میان این دو رخداد، اندک است (ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ۱۶ / ۹۲). محتوای روایات به ویژه روایت اول مبنی بر خشونت عمر بن خطاب و واژه مسلمانان از او کمی اغراق آمیز به نظر می‌رسد و روایاتی در منابع اهل سنت موجود است که خلاف این مطلب را بیان می‌کند. عبد الله بن عمر می‌گوید: عمر در حالی که ترسیده بود در خانه مانده بود و به عاص بن وائل گفت: قوم تو می

گویند که اگر اسلام بیاورم مرا می‌کشند. عاص بن وائل گفت: بعد از آنکه من تو را امان دادم کسی با تو کاری ندارد(البخاری الجعفی، ۱۴۰۷ش، ۳/ ۱۴۰۳). با این وجود، به کلیت مطالبی که در روایات مطرح شده نمی‌توان نقد جدی وارد کرد.

روایت دوم گویای این است که عمر در زمان هجرت مسلمانان به حبشه اسلام آورده است. چرا که در واکنش به مهاجرت مسلمانان، علیرغم خشونت فراوانش برای ایشان دعای خیر می‌کند. مضاف بر این بیان جمله: «خداوند به همراهتان باشد» نشان می‌دهد عمر مسلمان شده و در آن زمان در زمره مشرکین نبوده است. مترجم فهم القرآن الحکیم نیز به این مطلب اشاره کرده و معتقد است با وجود اینکه مؤلف به زمان اسلام آوردن عمر اشاره نکرده، اما احتمالاً مقصود وی از نقل این روایت این است که عمر پیش از هجرت مسلمانان به حبشه اسلام آورده و مسلمان شدنش متعلق به همین مقطع از زمان است(عابدالجابری، ۱۴۰۰ش، ۱/ ۱۰۳۲). با توجه به اینکه دو روایت با یکدیگر در تعارض نیستند می‌توان با انطباق مفاهیم هر دو ترتیب وقوع سه رخداد را استنباط کرد. طبق روایات ترتیب وقایع به این شرح است: نزول سوره طه، اسلام آوردن عمر، هجرت مسلمانان به حبشه.

علاوه بر روایات مذکور، ابن اسحاق در جای دیگر نقل می‌کند که اسلام آوردن عمر پس از هجرت به حبشه رخ داده است(معافری مصری، بی‌تا، ۲/ ۳۴۹). با توجه به اینکه در روایت اول فاصله زمانی میان نزول سوره طه و مسلمان شدن عمر مشخص نیست، می‌توان گفت ممکن است از زمان نزول سوره طه تا اسلام آوردن عمر زمان قابل توجهی وجود داشته که در این بازه هجرت مسلمانان به حبشه رخ داده است. یا چنانچه دیدگاه ابن عاشور مبنی بر اندک بودن فاصله این دو رخداد را بپذیریم باز هم می‌توان این احتمال را مطرح کرد که هر سه واقعه در یک بازه‌ی زمانی کوتاه صورت گرفته‌اند. به عبارتی تقدم یا تأخر زمانی مسلمان شدن عمر نسبت به هجرت تأثیر چندانی در تاریخ‌گذاری سوره طه ندارد و طبق هر یک از این اقوال سوره طه می‌تواند پیش از هجرت نزول یافته باشد. برای روشن شدن نسبت این وقایع و تاریخ‌گذاری سوره طه اتکاء به فهرست و روایات کافی نیست و لازم است ابتدا هجرت در گزارش‌های تاریخی مورد مطالعه قرار گرفته و سپس میزان مطابقت آن با محتوای سوره طه سنجیده شود.

۳.۲ هجرت مسلمانان به حبشه

بنا بر آنچه در گزارش‌های تاریخی بیان شده، مسلمانان دوبار به حبشه هجرت کردند. اولین نوبت آن در ماه رجب سال پنجم بود و طی وقایعی در شوال همان سال به امید تغییرات مثبت اجتماع، به مکه بازگشتند. پس از اینکه مجدد با دشواری‌های زندگی در کنار مشرکان مواجه شدند پیامبر به ایشان اجازه فرمود که به حبشه بازگردند. در این نوبت از هجرت علیرغم سخت‌گیری‌های بیشتر

مشرکان، تعداد بیشتری از مسلمانان از مکه به مقصد حبشه خارج شدند. آن‌ها در سرزمین حبشه ساکن شدند و زمانی که خبر هجرت پیامبر اسلام به مدینه را شنیدند، شماری از ایشان حبشه را به مقصد مدینه ترک کردند. برخی دیگر نیز به مکه بازگشتند (ر، ک: ابن سعد، ۱۳۷۴ ش، ۱ / ۱۹۱).

ابن کثیر تصریح می‌کند که در جریان هجرت مسلمانان به حبشه، جعفر بن ابی طالب آیات ابتدایی سوره مریم را برای نجاشی و یارانش قرائت کرد (ابن کثیر، ۲۰۱۰ م، ۳ / ۹۴) و طبری هجرت به حبشه را در ماه رجب سال پنجم بعثت می‌داند (طبری، ۱۴۱۲ ق، ۲ / ۳۲۹). بنابراین مفسران نزول سوره مریم را مرتبط با هجرت به حبشه می‌دانند و معتقدند سوره مریم پیش از هجرت نزول یافته است. به علاوه، همانطور که در ابتدا نیز بیان شد، روایات گویای این است که ممکن است نزول سوره‌ی طه نیز مرتبط با هجرت مسلمانان به حبشه باشد.

طبق آنچه از نظر گذشت، درباره‌ی زمان نزول سوره‌ی طه دیدگاه دقیقی در دست نیست. از طرفی تنوع آراء و اختلافات میان فهرست‌های روایی و اجتهادی امری انکارناشدنی است و تنها می‌توان ارتباط نزول سوره‌ی طه و هجرت مسلمانان به حبشه و محدوده‌ی زمانی نزول این سوره را از فهرست‌ها، تفاسیر و روایات استنباط کرد. از طریق این ابزارها بازه‌ی زمانی نزول سوره و قرابت زمانی با نزول سوره‌ی مریم مشخص می‌شود. اما ابهام‌ها درباره‌ی زمان نزول و تقدم و تأخر این دو سوره از این طریق قابل حل نیست و به همین منظور لازم است محتوای آیات نیز مورد بررسی قرار بگیرد.

۴ تحلیل محتوای سوره‌ی طه

به عقیده مفسران سوره‌ی طه به منظور تسکین پیامبر (ص) و اطمینان خاطر ایشان در برابر کارشکنی‌های مخالفان نازل شده است (برای نمونه ر، ک: دروزه، ۱۴۲۱ ق، ۳ / ۱۸۸ / قطب، ۱۴۲۵ ق، ۴ / ۲۳۲۶). در این سوره با استفاده از قصه‌ی حضرت موسی (ص) نقش پیامبران در جوامع تشریح شده و وظایفشان در فراز و نشیب‌های مسیر دعوت و مقابله با مخالفان تبیین شده که بخش قابل توجهی از این مفاهیم در سوره‌ی طه در قالب قصه‌ی حضرت موسی (ع) به پیامبر اسلام ابلاغ شده است. به طور کلی می‌توان موضوع آیات سوره‌ی طه را در ۲ گروه توصیف کرد:

گروه اول شامل آیات ۱ - ۹۸ این سوره است که بخش اعظم آن را قصه‌ی حضرت موسی (ع) تشکیل داده است. در این بخش ابتدا به پیامبر اسلام (ص) یادآوری می‌شود که هدف از نزول قرآن بر ایشان سختی و مشقت نیست؛ بلکه قرآن تذکره‌ای برای خاشعان معرفی شده است. سپس به سیطره‌ی خداوند بر همه‌ی امور و آگاهی از نهان و آشکار اشاره شده است. با این مقدمه نقل قصه‌ی حضرت موسی (ع) به منظور تمثیلی برای آیات قبل آغاز شده است. قصه‌ی حضرت موسی (ع) در سوره‌ی طه

شروع مأموریت ایشان تا هجرت از مصر و انحرافی که بنی اسرائیل پس از هجرت به آن دچار شدند را شامل می‌شود.

گروه دوم که بازه‌ی آیات ۹۹ - ۱۳۵ را در بردارد، ابتدا قصه‌ی حضرت موسی (ع) را تذکری از جانب خداوند دانسته‌است. این امر خبر از ارتباط تنکاتنگ میان قصه و شرایط زندگانی پیامبر اسلام (ص) می‌دهد و می‌توان جزئیات داستان را در مقام تذکر به مخاطبان قرآن تلقی کرد.

آیه‌ی (كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَ قَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا) (طه: ۲۰ / ۹۹) «اینچنین خبرهای گذشته را برای تو حکایت می‌کنیم. و به تو از جانب خود قرآن را عطا کردیم» میان دو بخش سوره بوده و گویای ارتباط و پیوند مضامین آیات با یکدیگر است. در ادامه‌ی آیات، به عاقبت رویگردانی و بی‌توجهی به پندهای قرآن کریم اشاره شده است. این تذکر از جانب خداوند نشان می‌دهد که سوره حاوی پیام و دستوری الهی است که دشواری انجام آن، ممکن است سبب شود که بندگان از اجرای فرامین الهی سر باز زنند. از سوی دیگر اجرای این دستور الهی در شرایطی باید صورت گیرد که خفقان در جامعه شدت گرفته و سخت‌گیری مخالفان بر پیامبر(ص) و پیروان ایشان افزون شده‌است. در این شرایط است که خداوند اوامر خود و عاقبت سرگردانی از آن را در قالب قصه به مخاطبان عرضه می‌کند. چرا که قصه در قرآن محتوای کم‌خطری است که حساسیت مخالفان را به دنبال ندارد. علاوه بر قصه‌ی حضرت موسی(ع)، در این بخش تعدادی از آیات به نقل قصه‌ی حضرت آدم و هبوط ایشان از بهشت اختصاص داده شده و این رخداد را ناشی از بی‌توجهی نسبت به اوامر خداوند تلقی می‌کند. سپس با یادآوری مجدد پیامدهای رویگردانی از آیات الهی، سوره با ابلاغ فرامینی به پیامبر اسلام(ص) از جمله صبر در مسیر و همچنین تسبیح خداوند به پایان می‌رسد.

۴.۱ تحلیل محتوای قصه‌ی حضرت موسی(ع)

قصه‌ی حضرت موسی(ع) در قرآن کریم از دوران کودکی تا دوران پس از هجرت از مصر و نافرمانی بنی اسرائیل از ایشان را در بر می‌گیرد. در سور مکی عموماً از تقابل ایشان با فرعون سخن گفته شده و در مقابل، در سور مدنی به پیمان شکنی بنی اسرائیل پس از هجرت اشاره شده‌است. در سوره‌ی طه قصه به هدف تسکین پیامبر(ص) و تشویق ایشان برای پایداری در مسیر دعوت و مقابله با مکر مخالفان نقل شده (ر،ک: قطب، ۱۴۲۵ق، ۴ / ۲۳۳۰) و با مرحله بعثت حضرت موسی(ع) و برگزیده شدن ایشان به پیامبری آغاز می‌شود. سپس به مواردی همچون گفتگو با فرعون، رقابت با ساحران، هجرت اشاره کرده و در نهایت قصه با بیان شرح حالی از بنی اسرائیل پس از هجرت و

اطاعت از سامری به پایان می‌رسد. به طور کلی بخش‌های اصلی این قصه را می‌توان در موارد زیر بررسی کرد:

الف) آغاز رسالت حضرت موسی (ع): در سوره‌ی طه داستان حضرت موسی (ع) با آیه‌ی (اذ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى) (طه: ۲۰ / ۱۰) «آن گاه که آتشی دید و به خانواده خود گفت: درنگ کنید، که من از دور آتشی می‌بینم، شاید برایتان قبری بیاورم یا در روشنایی آن راهی بیابم» آغاز شده و گویای سردرگمی ایشان است که موجب شده به دنبال نوری برای پیدا کردن راه خود باشد. این آیه خبر از مرحله‌ی جدیدی از رسالت پیامبر اسلام (ص) می‌دهد که مشقت‌های فراوانی به دنبال دارد و این مرحله چنان دشوار است که برای گذر از آن پیامبر (ص) نیازمند دریافت آیات وحی بوده است (ر، ک: قطب، ۱۴۲۵ق، ۴ / ۲۳۳۰). خداوند برای آسان شدن اوضاع بر پیامبر (ص)، داستان حضرت موسی (ع) را آغاز می‌کند که طبق امر الهی به آزادی بنی اسرائیل از فرعونیان مأمور می‌شود.

ب) حمایت الهی: فرازهای مختلف قصه به پیامبر (ص) نشان می‌دهد که خداوند همواره حامی پیامبران است. از جمله این فرازها اشاره به دوران کودکی حضرت موسی (ع) است (إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مَا يُوحَىٰ أَنْ أَقْرِضِيهِ فِي التَّابُوتِ فَأَقْرِضِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاجِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي) (طه: ۲۰ / ۳۸ و ۳۹) «آن گاه که بر مادرت آنچه وحی کردنی بود وحی کردیم: که او را در صندوقی بیفکن، صندوق را به دریا افکن، تا دریا به ساحلش اندازد و یکی از دشمنان من و دشمنان او صندوق را برگیرد. محبت خویش بر تو ارزانی داشتم تا زیر نظر من پرورش یابی». سپس در دوران جوانی پس از قتل مرد قبطی توسط حضرت موسی (ع)، حمایت خداوند مانع به خطر افتادن جان ایشان شد. (وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا) (طه: ۲۰ / ۴۰) «و تو یکی را بکشتی و ما از غم آزادت کردیم و بارها تو را بیازمودیم». با این مقدمه خداوند حضرت موسی (ع) را مأمور به آزادی بنی اسرائیل می‌کند.

ج) دشواری‌های مسیر رسالت: امتناع و خوف حضرت موسی (ع) برای انجام مأموریت و سپس درخواست برای شرح صدر و گره‌گشایی از زبان، نخستین واکنش‌هایی است که از سوی ایشان نسبت به مأموریت الهی مطرح می‌شود و این آیات برای پیامبر اسلام (ص) یادآور مسیر دشواری است که پیش دارد. به دنبال آغاز مأموریت توسط حضرت موسی (ع) فرعون همانند سایر صاحبان قدرت، مخالفت و عناد خود را به روش‌های گوناگون اعلام کرده و حضرت موسی (ع) و سایر مؤمنان را در تنگنا قرار می‌دهد. سرآغاز سوره و اشاره به خفقان حاکم در مکه نیز از گرفتاری مسلمانان در تنگنای مخالفان حکایت دارد که لزوم اقدامی برای نجات مسلمانان را بیان می‌کند.

د) **نقطه اوج داستان:** در آیات این بخش از سوره، مأموریت تازه‌ی حضرت موسی(ع)، یعنی انتقال بنی اسرائیل از طریق دریا، برای پیامبر(ص) بازگو می‌شود. در این آیات به سرانجام ساحران دربار فرعون اشاره نشده و تنها گویای عنایت خداوند به مؤمنان و پیروزی آن‌هاست(ر،ک: قطب، ۱۴۲۵ق، ۴ / ۲۳۴۴). بر همین اساس می‌توان گفت "هجرت" در سوره‌ی طه نقطه‌ی اوج داستان حضرت موسی(ع) محسوب می‌شود. هجرت برای حضرت موسی(ع) و بنی اسرائیل نقطه‌ی آغاز یک زندگی جدید بوده که پس از رهایی از قدرت حاکم بر جامعه، برای ایشان پدیدار شده‌است. داستان از همان ابتدا فراز و نشیب‌هایی را که حضرت موسی(ع) در مسیر رسالت با آن مواجه شده توصیف کرده و پس از گذر از این دشواری‌ها هجرت ایشان به همراه بنی اسرائیل به منزله‌ی پیروزی و رهایی از ظالمان است و پیام اصلی داستان، یعنی پیروزی پس از تحمل دشواری‌ها، در این بخش تجلی یافته‌است. وجود عناصر مهمی همچون هجرت و تأکید بر اجرای دستورات خداوند در قصه‌ی حضرت موسی(ع) توصیف دقیقی از فضای حاکم بر جامعه در زمان نزول سوره‌ی طه است و به پیامبر(ص) و مسلمانان نسبت به هجرت اطمینان خاطر می‌دهد که نتیجه‌ی صبر در برابر مشکلات هجرت، پیروزی است.

باید توجه داشت که هجرت و نقل مکان از محل زندگی به یک مکان ناشناخته و جدید مسلمانان را با موانع بسیاری مواجه می‌کرد. چرا که خروج از محیطی که انسان به آن خو گرفته و مقدمات زندگی را فراهم کرده و از سوی دیگر شروع زندگی جدید در محیط دیگر با موانع و سختی‌های فراوانی همراه است. مضاف بر این مسلمانان از سوی مشرکان مکه مورد آزار و سخت‌گیری قرار گرفته بودند و بدیهی است که اقدام آنان برای هجرت سرآغاز سخت‌گیری‌های تازه‌ای است که مسلمین را نیازمند آمادگی فکری و معنوی می‌کند و با قصه‌ی حضرت موسی(ع) در سوره‌ی طه نیز کاملاً همسو است. مضاف بر این، خطاب مستقیم آیات به پیامبر(ص) و تسکین ایشان با استفاده از قصه‌ی حضرت موسی(ع) نشان می‌دهد که رخداد مهمی که سوره‌ی طه متناسب با آن نازل شده هنوز صورت نگرفته‌است و آیات جنبه‌ی امیدبخشی و اطمینان خاطر به پیامبر(ص) پیرامون هجرت و نجات از خفقان دارد. بنابراین قصه در سوره‌ی طه مؤید روایاتی است که نزول این سوره را با هجرت مسلمانان به حبشه مرتبط دانسته‌اند و آیات این سوره شاهدهی بر نزول این سوره پیش از هجرت به حبشه هستند.

ه) **چالش‌های پس از هجرت:** پس از اوج‌گیری قصه حضرت موسی(ع) با آیات مربوط به هجرت، قصه وارد فاز جدیدی می‌شود که با آیات (يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنجَيْنَاكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ

غَضَبِي وَمَنْ يَخْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى) (طه: ۲۰ / ۸۰ و ۸۱) « ای بنی اسرائیل، شما را از دشمنان رهانیدیم و با شما در جانب راست کوه طور وعده نهادیم و برایتان من و سلوی نازل کردیم. از چیزهای پاکیزه که شما را روزی داده‌ایم بخورید و از حد مگذرانیدش تا مباد خشم من به شما رسد، که هر کس که خشم من به او برسد در آتش افتد» آغاز می‌شود. با این مقدمه در آیات بعد به بیان تبعیت بنی اسرائیل از سامری و بازگشت آنان به بت پرستی اشاره شده‌است. آیات در این بخش می‌تواند خطاب به افرادی باشد که در عصر نزول کارشکنی می‌کردند. حال با سخت‌گرفتن به مسلمانان و یا با نافرمانی در هجرت. در ادامه آیات با اشاره به پیروی بنی اسرائیل از سامری، به تداوم کارشکنی‌ها حتی پس از هجرت اشاره می‌کند و می‌تواند به منزله‌ی هشدار به پیامبر(ص) اسلام باشد که آمادگی برای رویارویی با مشکلات پس از هجرت مسلمانان را نیز داشته‌باشد. پس از اتمام قصه‌ی حضرت موسی(ع) آیات انذار به نافرمایان ادامه یافته و گویای عاقبت نافرجام آن‌ها است.

(و) **قصه‌ی حضرت آدم:** در سوره طه علاوه بر قصه حضرت موسی که به طور مبسوط نقل شده، قصه دیگری نیز بیان شده است. آیه ۱۱۵ الی ۱۲۳ این سوره ماجرای هبوط آدم از بهشت را نقل کرده که انتظار می‌رود با محتوا و هدف کلی سوره همخوانی داشته باشد. علامه طباطبائی معتقد است که این آیات طبع آدمی را در دنیا نشان می‌دهد و گویای وابستگی و تعلق آدم به دارایی‌های دنیایی است. این وابستگی سبب می‌شود که انسان دنیا را جاودانه بداند و از اوامر خداوند سرپیچی کند. (ر، ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ۱۴ / ۲۱۸). در آیات پیش از این سخن از قیامت و عاقبت سختی که در انتظار روی گردانان از دستورات خداوند است، به میان آمده است. بنابراین آیات مربوط به هبوط آدم را می‌توان تکمله‌ای برای آیات قبلی دانست. از طرفی اشاره به رها کردن تعلقات که شبیه آن در آیه‌ی (قَالَ أَلْقِيهَا يَمُوسَى) (طه: ۲۰ / ۱۹) «گفت: ای موسی آن را بیفکن» آمده می‌تواند نیم‌نگاهی به هجرت داشته باشد. چرا که چشم پوشی از دارائی‌ها در سرزمین و انتخاب دشواری‌های مسیر هجرت و عاقبت نامعلومی که در ذهن افراد است امر آسانی به نظر نمی‌رسد. از طرفی با توجه به آیه (فَتَعَلَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُل رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا) (طه: ۲۰ / ۱۱۴) «پس برتر است خدای یکتا آن پادشاه راستین. و پیش از آنکه وحی به پایان رسد در خواندن قرآن شتاب مکن. و بگو: ای پروردگار من، به علم من بیفزای» باید گفت که این آیه نظیر سایر آیات سوره طه خطاب مستقیم به پیامبر دارد. بنابراین عبارتی نظیر «وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا» در آیه‌ی (وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَىٰ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا) (طه: ۲۰ / ۱۱۵) «و ما پیش از این با آدم پیمان بستیم ولی فراموش کرد، و شکیباییش نیافتیم» به منزله تذکری برای پیامبر(ص) بوده که هنوز دچار موانع ذهنی درباره سختی‌های هجرت است. همچنین این تذکر می‌تواند متوجه گروهی

از مسلمانان باشد که دارای چنین تردیدی هستند و از باب «ایاک اعنی و اسمعی یا جاره» به پیامبر(ص) خطاب شده است. در مجموع می‌توان گفت این بخش از آیات نیز با هدف کلی سوره که ناظر بر شرایط پیش از هجرت به حبشه و ترغیب مسلمانان به هجرت است، همخوانی دارد.

نتیجه

با توجه به آنچه بیان شد، چهار رخداد نزول سوره‌ی طه، نزول سوره‌ی مریم، هجرت به حبشه و مسلمان شدن عمر بن خطاب در یک بازه‌ی زمانی واقع شده‌اند. با بررسی احتمالات مختلفی که از روایات و گزارش‌های تاریخی و همچنین محتوای سوره برداشت می‌شود، این نتیجه حاصل شد که ابتدا سوره‌ی طه نازل شده و خداوند در قالب قصه به مسلمانان لزوم هجرت و پیامدهای آن گوشزد می‌کند. سپس مسلمانان با آمادگی فکری که از سوره‌ی طه کسب کرده بودند، به حبشه مهاجرت کرده و سوره‌ی مریم را که در آستانه‌ی هجرت مختص مخاطبان مسیحی نازل شده برای نجاشی قرائت کردند. عمر بن خطاب نیز با شنیدن آیتی از سوره‌ی طه مسلمان شده و به شهادت روایات تاریخی، این واقعه در آستانه‌ی هجرت مسلمانان و یا پس از آن رخ داده است. بررسی محتوایی سوره‌ی طه نیز نشان می‌دهد که آیات این سوره ناظر به شرایط دشوار مسلمانان پیش از هجرت به حبشه بوده که به عبادات طولانی پیامبر(ص) منجر شد. در پی آن خداوند با بیان قصه‌ی حضرت موسی(ع) خصوصاً اوج‌گیری قصه در هجرت ایشان به همراه بنی‌اسرائیل، مسلمانان را به هجرت ترغیب می‌کند و پیروزی آن‌ها را منوط به هجرت و اجرای اوامر الهی می‌داند. قصه‌ی حضرت آدم در این سوره نیز ناظر به شرایط حاکم بر جامعه و امتناع برخی افراد از هجرت به حبشه است. بر همین اساس می‌توان گفت نزول این سوره مقدم بر سه رخداد دیگر است. نتایج حاصل از این پژوهش، الگوی مناسبی برای کاربرد قصه‌های قرآنی در تاریخ‌گذاری سوره‌ها خصوصاً سور مکی است. برای نمونه با تاریخ-گذاری سوره‌ی طه بر اساس قصه، می‌توان ارتباط فرازهای مختلف قصه را در سوره‌هایی همچون سوره‌ی شعراء با زمان نزول آن‌ها استنباط کرد و این سوره را متعلق به زمان پس از هجرت به حبشه و مرتبط با محاصره‌ی مسلمانان در شعب ایطالب دانست. از این طریق بسیاری از نقاط تاریک در تاریخ‌گذاری سور مکی تبیین و روشن خواهد شد. همچنین یافته‌های این پژوهش ابزار مهمی در ارزیابی فهرست‌های ترتیب نزول به شمار می‌رود. چرا که در فهرست‌های روایی، سوره‌ی مریم پیش از سوره‌ی طه جای‌گذاری شده است. در حالی که با استناد به فهرست‌های روایی تنها می‌توان قرابت زمانی نزول این دو سوره را استنباط کرد و در جایگاه این دو سوره نسبت به یکدیگر تشکیک وارد می‌شود. از سوی دیگر با تحلیل محتوای آیات سوره‌ی طه خصوصاً آیات مربوط به قصه‌ی حضرت موسی(ع) فضای پیش از هجرت مسلمانان به حبشه و خفقان حاکم بر مکه تبیین شد که گام مهمی

در بازسازی تاریخی فضای نزول این سوره به شمار می‌رود و مخاطب را با شدت اختناق حاکم بر جامعه‌ی مسلمانان و تدابیر مقابله با این شرایط آشنا می‌کند.

منابع

قرآن کریم

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۲. آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۴ش)، *ترجمه قرآن*، تهران، انتشارات سروش.
۳. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۳۷۴ش)، *طبقات الکبری*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۴. ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۹۸۴م)، *تفسیر التحریر و التنویر*، تونس، دارالتونسیه للنشر.
۵. ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۲۰۱۰م)، *البدایه و النهایه*، تحقیق علی ابوزید و دیگران، بیروت، دار ابن کثیر.
۶. ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالمتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۷. البخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ق)، *صحیح البخاری*، بیروت، دارالجیل.
۸. بنی اسدی و نکونام، مرضیه و جعفر (۱۳۹۲ش)، *تبیین فضای نزول آیات مربوط به حضرت موسی در قرآن*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
۹. دروزه، محمد عزه (۱۴۲۱ق)، *التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول*، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
۱۰. ذهبی، محمد بن احمد (۱۹۸۹م)، *تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الأعلام*، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، *الدرالمشور فی التفسیر بالمأثور*، قم، بی‌نا.
۱۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۸ش)، *مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار*، تهران، مرکز انتشار نسخ خطی.
۱۳. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۴. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، *تفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*، اردن، دارالکتب الثقافی.

۱۵. طبرسی، فضل بن حسن(۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
۱۶. طبری، ابن جریر(۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن(بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۸. عابدالجابری، محمد؛(۱۴۰۰ش)، *فهم قرآن حکیم*، مترجم: محسن آرمین، تهران، نشر نی.
۱۹. قطب، سید(۱۴۲۵ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دارالشروق.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم(۱۳۶۳ش)، *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب.
۲۱. محمدزاده و احمدنژاد، عاطفه و امیر(۱۳۹۴ش)؛ *بررسی دوره دعوت پنهانی پیامبر (ص) با تکیه بر مفهوم شناسی عبارت « فاصدع بما تؤمر »*، پژوهش‌های قرآنی، ش ۳.
۲۲. معافری مصری(بی تا)، عبدالملک بن هشام؛ *السیره النبویه*، بیروت، دارالمعرفه.
۲۳. موننگمری وات و بل، ویلیام و ریچارد(۱۳۸۲ش)، *درآمدی بر تاریخ قرآن*، مترجم: بهاء‌الدین خرمشاهی، قم، مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی.
۲۴. واحدی، علی بن احمد(۱۳۸۳ش)، *اسباب النزول*، تهران، نشر نی.